**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری(دام ظله)**

**جلسه179 – 24/ 11/ 1397 اقل و اکثر در محرّمات /دوران امر بین اقل و اکثر ارتباطی /قاعده احتیاط**

خلاصه بحث :

در جلسه گذشته در باره تفاوت­هایی بحث اقل و اکثر در محرّمات با اقل و اکثر در واجبات مباحثی مطرح شد. در این جلسه ضمن بیان تفاوت سوم، علم اجمالی جدیدی که مرحوم آقا ضیاء در تعیین و تخییر تصویر کرده و مطابق آن شهید صدر; انحلال حقیقی را ردّ کرده است، تقریر شده و مورد بررسی قرار می­گیرد.

**تفاوت اقل و اکثر در محرّمات با واجبات**

مرحوم نائینی حال دوران امر بین اقل و اکثر در محرّمات را مانند واجبات دانسته اما شهید صدر; مطابق تقریر سید هاشمی[[1]](#footnote-1) به عنوان اعتراض، سه تفاوت بین دوران بین اقل و اکثر در واجبات و محرّمات بیان کرده است. اولین تفاوت این است که در واجبات وجوب اکثر اشد مؤونه بوده و در محرّمات حرمت اقل اشدّ مؤونه است. اما این تفاوت در کلام مرحوم نائینی[[2]](#footnote-2) وجود داشته و در تقریرات سید حائری،[[3]](#footnote-3) این تفاوت جزو کلام مرحوم نائینی آمده است.

**تقاوت سوم: انحلال حکمی در محرّمات**

سومین تفاوت در تقریرات سید هاشمی به این نحو وارد شده است: **«الثالثه ان جریان البرائه بین الاقل و الاکثر فی الحرام یکون من الانحلال الحکمی کجریانها فی الدوران بین التعیین و التخییر. لا الانحلال الحقیقی. لانّ حرمه الاکثر تعنی ان متعلّق الحرمه مجموع الاجزاء الذی یکون فی قوه وجوب ترک احد ال اجزا تخییرا.»**[[4]](#footnote-4) تا اینجای عبارت صحیح به نظر می­آید. اما در ادامه آمده است: **«و حرمة الأقل‏ تعنی‏ ان متعلق الحرمة هو الجامع بین الاجزاء الّذی یکون فی قوة وجوب ترک هذا الجزء بالذات و ذاک الجزء بالذات، و هذا دوران لمتعلق التکلیف بین عنوانین أحدهما جامع و الآخر حصة و فرد»** اما این عبارت صحیح نیست زیرا برای عدم تحقق اقل در محرّمات بر فرض حرمت اقل، باید اقل ترک شود و ارتباطی به سایر اجزا ندارد اما بر فرض حرمت اکثر، برای عدم تحقق اکثر مکلّف مخیر بین ترک اقل و ترک سایر اجزا است. پس امر دائر مدار بین تعیین و تخییر است نه دائر مدار بین جامع و فرد.

در ادامه نیز بیان می­کند: **« و هذا من الدوران بین التعیین و التخییر و الّذی لا انحلال حقیقی فیه و انما الانحلال حکمی»** به ظاهر این عبارت نیز اشکال وارد است که مرحوم صدر، در تمام اقسام دوارن امر بین تعیین و تخییر قائل به انحلال حکمی نبوده و در برخی اقسام انحلال حقیقی را می­پذیرد. این قسمت در تقریرات سید حائری[[5]](#footnote-5) دقیق­تر آمده و بیان شده: این قسم شبیه قسمی از تعیین و تخییر است که انحلال در آن حکمی است.

از کلام سید حائری استفاده می­شود، شهید صدر; در دوره اول کلام مرحوم آقا ضیاء را قبول نداشته و اشکال **«و قد یناقش فی ذلک بان الأقل فی المقام أیضا معلوم الحرمة ...»** از خود مرحوم صدر بوده است. اما

در دوره بعدی در بحث اجتماع امر و نهی، این اشکال را پاسخ داده­اند و سید هاشمی مباحث ایشان را از بحث اجتماع امر و نهی به این بحث منتقل کرده­اند.

در برخی از مباحث گذشته مانند این بحث، اشکالاتی به کلام شهید صدر; مطابق تقریر سید هاشمی وارد بود که این اشکال مطابق تقریر سید حائری وارد نبود هر چند برخی از دقت­ها و ریزه­کاری­های وارد شده در تقریر سید حائری، از لابلای تقریر سید هاشمی نیز قابل دستیابی بود. به نظر می­رسد به خصوص این قسمت از تقریرات بحوث، سید هاشمی به دست نوشته­های خود از درس شهید صدر; دسترسی نداشته و به همین دلیل تسلّط و حضور ذهن کامل به مباحث برای ایشان وجود نداشته و به همین دلیل برخی از اشکالات در تقریر، وجود دارد.

**علم اجمالی دوم در دوارن بین تعیین و تخییر**

شهید صدر; در بحث دوران امر بین واجب تعیینی و واجب تخییری، از مرحوم آقا ضیاء علم اجمالی دومی را نقل کرد و مطابق آن قائل به انحلال حکمی شد. در جلسات گذشته بیان شد: شبیه به این علم اجمالی در اقل و اکثر ارتباطی نیز وجود دارد. همین علم اجمالی در بحث دوران بین اقل و اکثر در محرّمات نیز وجود دارد که با مقداری تفاوت در نحو تطبیق، بیان می­شود. در اینجا تنها علم اجمالی تطبیق می­شود و وارد بحث از صحت و سقم این علم اجمالی نمی­شویم. هم چنین علم اجمالی در تقریرات سید هاشمی با پیچ بیشتری بیان شده که سعی بر آسان سازی آن است.

محصّل علم اجمالی مطرح شده در کلام آقا ضیاء این است: دو قضیه شرطیه یا حملیه وجود دارد[[6]](#footnote-6) و می­دانیم یکی از این دو قضیه شرطیه یا حملیه تحقق دارد. مثلا در موردی که امر دائر بین وجوب تعیینی عتق یا وجوب تخییری عتق و صوم است، علم اجمالی به تحقق **«اذا صمت وجب علیک العتق»** بر فرض وجوب تعیینی عتق یا تحقق **«اذا ترکت العتق وجب علیک الصوم»** بر فرض وجوب تخییری داریم.

این اشکال طرح شد که قضیه شرطیه به خودی خود موضوع حکم عقل به لزوم امتثال نبوده و تنها در ظرف تحقق شرط، فعلی است و لزوم امتثال دارد.

به این اشکال پاسخ داده شد: کسی که از وجوب تعیینی عتق برائت جاری می­کند، قصد دارد به صوم اکتفا کرده[[7]](#footnote-7) و عتق را اتیان نکند. با این فرض، هم شرط **«اذا صمت»** تحقق یافته و هم شرط **«ترکت العتق»** محقق است. پس علم اجمالی به وجود یک حکم فعلی دارد.

به عبارتی دیگر، وجوب تعیینی به دو قضیه شرطیه **«اذا صمت وجب علیک العتق»** و **«اذا لم تصم وجب علیک العتق»** تحلیل می­شود که بر فرض ترک صوم، چه عتق تعیینی باشد و چه تخییری، وجوب آن مسلّم است. بحث در صورتی مطرح است که صوم انجام شده باشد و به همین دلیل، قضیه شرطیه اول طرف علم اجمالی است. طرف دوم علم اجمالی نیز **«اذا ترکت العتق یجب علیک الصوم»** است.

**وجود علم اجمالی در اقل و اکثر ارتباطی**

شبیه به همین تقریر در اقل و اکثر نیز جاری است به این تقریب که: بنابر وجوب اکثر، کسی که اقل را آورده باید اکثر را بیاورد و بنابر وجوب اقل، کسی که جزء مشکوک را ترک کرده که قهرا اکثر ترک شده است، باید

اقل را بیاورد. پس اکثر مانند تعیین بوده و اقل مانند تخییر است. پس شبیه علم اجمالی تصور شده در دوران امر بین تعیین و تخییر، در بحث دوران امر بین اقل و اکثر ارتباطی نیز وجود دارد.

**اشکال به علم اجمالی: عدم فعلیت یکی از دو قضیه با امتثال**

اما در اصل این علم اجمالی مغالطه­ای وجود دارد. زیرا این گونه فرض شده که کسی که قصد دارد صوم را انجام داده و عتق را ترک کند، هم **«اذا ترکت العتق»** وجود داشته و هم **«اذا صمت»** وجود دارد. اما لازمه این مطلب علم اجمالی به حکم فعلی نیست زیرا با انجام صوم، دیگر **«اذا ترکت العتق یجب علیک الصوم»** به علت امتثال فعلی نیست و تنها یک قضیه محتمله **«اذا صمت یجب علیک العتق»** وجود دارد. به همین دلیل علم اجمالی به حکم فعلی موجود نخواهد بود. به عبارتی دیگر، در یکی از این دو قضیه، شرط قضیه جزای قضیه دیگر است و با تحقق جزا، هر چند شرط فعلی می­شود اما علم اجمالی از بین خواهد رفت.

بله اگر قائل به مبنای شهید صدر; شده و تکلیف را حتی پس از امتثال نیز فعلی بدانیم، هم چنین اشکال سید هاشمی در پاورقی را غمض عین کنیم که موضوع حکم عقل برای لزوم امتثال فاعلیت است نه فعلیت و با امتثال فاعلیت از بین می­رود، در این فرض علم اجمالی به تکلیف فعلی پس از اتیان صوم خواهیم داشت.

علم اجمالی تصویر شده در اقل و اکثر نیز متوجه همین اشکال است زیرا وجود علم اجمالی به یکی از این دو قضیه **«الآتی بالاقل یجب علیه اتیان الاکثر»** و **«التارک للاجزاء المشکوکه یجب علیه اتیان الاقل»** طرح شد اما در فرض اتیان اقل، هر چند شرط قضیه اول تحقق یافته و حکم بر فرض وجود در این قضیه، فعلی است و شرط قضیه دوم نیز تحقق یافته و شخص تارک اجزاء مشکوکه است اما در این فرض، اقل اتیان شده و با امتثال تکلیف، دیگرقضیه دوم فعلی نخواهد بود. در نتیجه علم اجمالی به وجود حکم فعلی وجود نخواهد داشت.

روح قضیه این است که در شرط عدم امتثال اخذ شده است به این معنا که **«التارک للاجزاء المشکوکه ما لم یأتی بالاقل یجب علیه اتیان الاقل»** و با امتثال اقل، شرط محقق نشده است.

با این توضیح روشن شد، علم اجمالی مذکور در کلام مرحوم آقا ضیاء صحیح نبوده و نمی­توان مطابق آن انحلال حقیقی را ردّ کرد. اما باید دانست بر خلاف مطالبی که در جلسات گذشته بیان شد، این علم اجمالی غیر از علم اجمالی ابتدایی بین تعیین و تخییر است و هر چند این علم اجمالی صحیح نیست اما علم اجمالی بین تعیین و تخییر وجود داشته و این علم اجمالی مقتضی احتیاط است.

**تقریر علم اجمالی اول بین تعیین و تخییر**

علم اجمالی بین تعیین و تخییر به این تقریر است که: پیش از اتیان صوم و عتق، علم اجمالی به وجوب صرف الوجود جامع بین عتق و صوم یا خصوص عتق وجود دارد و این علم اجمالی منحل نمی­شود. مرحوم آقا ضیاء و دیگران این علم اجمالی را منحل می­دانند به این بیان که: علم تفصیلی به وجوب جامع بین عتق و صوم و شک در خصوص عتق وجود دارد زیرا جامع حتی بر فرض وجوب خصوص عتق نیز لزوم اتیان داشته و شک در آن داریم که باید جامع در خصوص عتق حاصل شود که از آن برائت جاری است. اما مرحوم آقا ضیاء با طرح علم اجمالی دومی که تقریب شد و اشکال آن نیز بیان گشت، این انحلال را ردّ کرده و علم اجمالی را تثبیت می­کنند.

اما بنابر نظر مختار، علم اجمالی اول هم در دوران امر بین تعیین و تخییر وجود داشته و هم در دوران امر بین اقل و اکثر ارتباطی وجود دارد و منحل نمی­شود.

در دوران امر بین اقل و اکثر ارتباطی، هر چند علم تفصیلی به وجوب اقل داریم اما علم به وجوب اقل به هر صورت که اتیان شود، نداریم. به این معنا که علم تفصیلی به صرف الوجود اقل سواء کان مجردا عن الاکثر ام لم یکن مجردا عن الاکثر وجود ندارد. پس علم تفصیلی به وجوب اقل، به نحو مهمله است نه به نحو مطلقه و به همین دلیل برای امتثال قطعی وجوب مهمله اقل، باید احتیاط کرده و اکثر را انجام داد.

در دوران امر بین تعیین و تخییر، هر چند علم تفصیلی به وجوب جامع و احدهما وجود دارد اما این علم تفصیلی به نحو مهمله است نه مطلقه و احتمال دارد وجوب در ضمن خصوصیت باشد. به همین دلیل اگر جامع متخصص به خصوصیت اتیان نشود، ممکن است مطلق علم تفصیلی اتیان نشده باشد به همین دلیل احتیاط و اتیان خصوص عتق برای تحصیل یقین به فراغ ذمه لازم خواهد بود.

بنابراین دوران امر بین اقل و اکثر ارتباطی و تعیین و تخییر عین هم بوده و علم اجمالی تصویر شده در هر دو، منحل نمی­شود. در جلسات گذشته این سهو حاصل شده که علم اجمالی تصویر شده در کلام مرحوم آقا ضیاء، عین علم اجمالی اول است اما با دقت روشن می­شود، علم اجمالی در کلام ایشان با علم اجمالی اول تفاوت دارد. اما بنابر نظر مختار، علم اجمالی اول منحل نشده و علم اجمالی دوم نیز علم اجمالی به حکم فعلی نیست. علت این که مرحوم آقا ضیاء، شهید صدر; و سید هاشمی متوجه مغالطه موجود در این علم اجمالی نشده­اند، تقریر همراه با پیچیدگی علم اجمالی است و گرنه اگر به نحو ساده علم اجمالی تقریر می­شد، مغالطه مشهود است.

مرحوم هاشمی[[8]](#footnote-8) در توضیح علم اجمالی مورد ادعای مرحوم آقا ضیاء می­نویسد:

**«ما أفاده المحقق العراقی (قده) من إبراز علم إجمالی غیر منحل و هو العلم بوجوب العتق تعیینا أی‏ عدم‏ جواز ترکه أو عدم جواز ضم ترک الإطعام إلی ترک العتق فان الواجب إذا کان تخییرا فالمخالفة انما تکون بضم ترک أحدهما إلی ترک الآخر و هذا یعنی ان کلا من الوجوب التعیینی للعتق و الوجوب التخییری فیه حیثیة إلزامیة یفقدها الآخر، اما الحیثیة الإلزامیة فی الوجوب التعیینی للعتق فهی الإلزام بالعتق حتی ممن أطعم و هی حیثیة لا یشتمل علیها الوجوب التخییری، و اما الحیثیة الإلزامیة فی الوجوب التخییری للعتق و الإطعام فهی تحریم ضم ترک الإطعام إلی ترک العتق...»**

در این توضیح بیان شده است: بر تارک عتق، ضمّ ترک اطعام حرام است که برای راحتی تقریر، به وجوب اطعام بر تارک عتق تغییر داده شد زیرا حرمت ترک اطعام، به معنای وجوب اطعام است. در ادامه نیز بیان شده است: **« فیتشکل علم إجمالی بأحد الإلزامین و تکون البراءة عن وجوب‏ العتق‏ ممن‏ أطعم معارضة بالبراءة عن حرمة ترک الإطعام ممن ترک العتق.»** که در کلام، حرمت ترک اطعام تعبیر شده که برای راحتی تقریر، به وجوب اطعام تبدیل شد.

توضیح ساده علم اجمالی مذکور این است که علم اجمالی به وجوب العتق علی المطعم یا وجوب الاطعام علی تارک العتق داریم. البته می­توان این دو حکم را به نحو قضیه شرطیه یا قضیه حملیه تعبیر کرد اما بین این دو تفاوتی نیست زیرا همان­گونه که در قضیه شرطیه، فعلیت حکم متوقف بر وجود شرط است در قضیه حملیه نیز فعلیت حکم متوقف بر وجود موضوع است. پاسخ این علم اجمالی نیز این بود که فعلی بودن این دو حکم متوقف بر اتیان اطعام است و با فرض اتیان اطعام، حکم دوم **«وجوب اطعام بر تارک عتق»** به علت امتثال ساقط شده و از نظر عقلی تحریکی نسبت به آن وجود ندارد. در نتیجه تنها شرط حکم اول **«وجوب عتق بر مطعم»** وجود داشته و وجوب عتق شبهه بدویه است و علم اجمالی به حکم فعلی نداریم.

خلاصه؛ علم اجمالی مذکور در کلام مرحوم آقا ضیاء، هر چند با علم اجمالی اول متفاوت است اما در آن مغالطه­ای وجود دارد که نتیجه آن نبود علم اجمالی به حکم فعلی است. علت عدم دقت به مغالطه، تقریر سخت و پیچیده علم اجمالی است و گرنه اگر علم اجمالی به صورت ساده و روان تقریر می­شد، وجود مغالطه مشهود بود. بنابر نظر مختار هر چند این علم اجمالی صحیح نیست اما علم اجمالی ابتدایی در اقل و اکثر ارتباطی و دوران امر بین تعیین و تخییر وجود داشته و همان علم اجمالی متقضی وجوب احتیاط است.

 **و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین**

1. بحوث في علم الأصول، ج‏5، ص: 362 [↑](#footnote-ref-1)
2. فوائد الاصول، ج‏4، ص: 148 [↑](#footnote-ref-2)
3. مباحث الأصول، ج‏4، ص: 368 [↑](#footnote-ref-3)
4. بحوث في علم الأصول، ج‏5، ص: 363 [↑](#footnote-ref-4)
5. مباحث الأصول، ج‏4، ص: 371 [↑](#footnote-ref-5)
6. به علت وحدت مفاد «اذا استطعت وجب علیک الحج» و «المستطیع یجب علیه الحج» با هر دو تعبیر می­توان علم اجمالی را تقریب کرد. در قضیه اول، فعلیت جزا متوقف بر وجود شرط است و در دومی فعلیت حکم متوقف بر وجود شرط است و از این ناحیه بین این دو تعبیر تفاوتی وجود ندارد. [↑](#footnote-ref-6)
7. عبارت دقیق تر: در برخی از فروض به صوم اکتفا کرده و عتق را نمی­آورد. (مقرر) [↑](#footnote-ref-7)
8. بحوث في علم الأصول، ج‏5، ص: 356 [↑](#footnote-ref-8)